

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.
۲۴ دسمبر ۲۰۱۳

در حاشیه، عالمان دین؟؟

۲



دیرست که شب تیره تر از ظلمت پست است
شمشیر شریعت به کف زنگی مست است
شوم است طنابی که بر آن دست تو بسته ست
بر خیز ! اسیری که نشسته ست، نرسته ست

این هشام در سیره رسول الله چنین می نویسد:

چند نفر از قبیله بحیره زار و بیمار نزد پیامبر آمده از او مساعدت خواستند. محمد آنها را بیرون مدینه نزد شتریان خود فرستاد تا از شیر شتر بنوشند و شفاء یابند. این افراد پس از استفاده از شیر شتر و آسوده شدن از رنج، شتر بان را کشته خار در چشمش فرو کردند چون خبر به پیامبر رسید چنان به خشم آمد که بیدرنک (کرز بن جابر) را به دنبال آن

ها فرستاد. پس از آن که همه را اسیر کردند و به حضور محمد آوردند او امر کرد (دست‌ها و پاهای شان را قطعه قطعه و چشمان شان را کور کنند) و بعداً همه آنها را کشتند (نقل از کیهان چاپ لندن شماره ۲۸۸۶۳-۲۸۸۶۴-۲۸۸۶۵-۲۸۸۶۶-۲۸۸۶۷-۲۸۸۶۸-۲۸۸۶۹-۲۸۸۷۰-۲۸۸۷۱-۲۸۸۷۲-۲۸۸۷۳-۲۸۸۷۴-۲۸۸۷۵-۲۸۸۷۶-۲۸۸۷۷-۲۸۸۷۸-۲۸۸۷۹-۲۸۸۸۰-۲۸۸۸۱-۲۸۸۸۲-۲۸۸۸۳-۲۸۸۸۴-۲۸۸۸۵-۲۸۸۸۶-۲۸۸۸۷-۲۸۸۸۸-۲۸۸۸۹-۲۸۸۹۰-۲۸۸۹۱-۲۸۸۹۲-۲۸۸۹۳-۲۸۸۹۴-۲۸۸۹۵-۲۸۸۹۶-۲۸۸۹۷-۲۸۸۹۸-۲۸۸۹۹-۲۸۹۰۰-۲۸۹۰۱-۲۸۹۰۲-۲۸۹۰۳-۲۸۹۰۴-۲۸۹۰۵-۲۸۹۰۶-۲۸۹۰۷-۲۸۹۰۸-۲۸۹۰۹-۲۸۹۱۰-۲۸۹۱۱-۲۸۹۱۲-۲۸۹۱۳-۲۸۹۱۴-۲۸۹۱۵-۲۸۹۱۶-۲۸۹۱۷-۲۸۹۱۸-۲۸۹۱۹-۲۸۹۲۰-۲۸۹۲۱-۲۸۹۲۲-۲۸۹۲۳-۲۸۹۲۴-۲۸۹۲۵-۲۸۹۲۶-۲۸۹۲۷-۲۸۹۲۸-۲۸۹۲۹-۲۸۹۳۰-۲۸۹۳۱-۲۸۹۳۲-۲۸۹۳۳-۲۸۹۳۴-۲۸۹۳۵-۲۸۹۳۶-۲۸۹۳۷-۲۸۹۳۸-۲۸۹۳۹-۲۸۹۴۰-۲۸۹۴۱-۲۸۹۴۲-۲۸۹۴۳-۲۸۹۴۴-۲۸۹۴۵-۲۸۹۴۶-۲۸۹۴۷-۲۸۹۴۸-۲۸۹۴۹-۲۸۹۵۰-۲۸۹۵۱-۲۸۹۵۲-۲۸۹۵۳-۲۸۹۵۴-۲۸۹۵۵-۲۸۹۵۶-۲۸۹۵۷-۲۸۹۵۸-۲۸۹۵۹-۲۸۹۶۰-۲۸۹۶۱-۲۸۹۶۲-۲۸۹۶۳-۲۸۹۶۴-۲۸۹۶۵-۲۸۹۶۶-۲۸۹۶۷-۲۸۹۶۸-۲۸۹۶۹-۲۸۹۷۰-۲۸۹۷۱-۲۸۹۷۲-۲۸۹۷۳-۲۸۹۷۴-۲۸۹۷۵-۲۸۹۷۶-۲۸۹۷۷-۲۸۹۷۸-۲۸۹۷۹-۲۸۹۸۰-۲۸۹۸۱-۲۸۹۸۲-۲۸۹۸۳-۲۸۹۸۴-۲۸۹۸۵-۲۸۹۸۶-۲۸۹۸۷-۲۸۹۸۸-۲۸۹۸۹-۲۸۹۹۰-۲۸۹۹۱-۲۸۹۹۲-۲۸۹۹۳-۲۸۹۹۴-۲۸۹۹۵-۲۸۹۹۶-۲۸۹۹۷-۲۸۹۹۸-۲۸۹۹۹-۲۹۰۰۰) این روش پیامبر اسلام بود.

در رمضان سال ششم هجری محمد گروهی را به رهبری زید بن حارثه (که برده محمد بود) به منطقه وادی القری فرستاد. این سپاهیان اسلام در این وادی با طایفه بنی فزاره رو به رو شده جنگی سختی بین آنها رخ داد که مسلمانان شکست خورده و زید خود زخمی و فرار نموده خود را به مدینه رسانید. زید بن حارثه سوگند خورد تا از بنی فزاره انتقام نگیرد از انجام روابط جنسی خود داری خواهد نمود. (چه سوگند مهمی؟؟) محمد پس از بهبودی زخمهای زید او را دو باره به وادی القری فرستاد. این بار او پیروز شد و «ام فرقه» و دختر او را به اسارت گرفت. نام ام فرقه (فاطمه بنت ربیع بن بدر) بود و نزد اعراب مقام بالائی داشت. در میانه راه زید به قیس بن محسر دستور داد که «ام فرقه» را بکشد. قیس «ام فرقه» را که زن سالخورده ای بود به وحشیانه ترین شکل ممکن کشت. او هر یک از پاهای «ام فرقه» را به وسیله طنابی به دو شتر سر کش بست و در دو جهت مخالف رها کرد و پیره زن از وسط دریده شد (باید اضافه نمود که هیچ کدام از مؤرخین اسلامی جرمی را در باره «ام فرقه» ننوخته اند) (تاریخ طبری جلد سوم صفحه ۱۱۳) البته واقدی - ترجمه المغازی و الطبقات الکبری نوشته بن سعد جلد ۲ ص ۸۸ این واقعه را هم نوشته‌اند. از این واقعات آدمکشی و سر بریدن ها در اسلام زیاد است و من قبلاً طی نوشته‌های قبلی قسمتی از آنها را به استناد و مدارک تاریخی نوشته‌ام و هر قدر هم بنویسم هنوز هم کم خواهد بود. بهتر است بر گردیم به ادامه نوشته بخش قبلی:

ارتداد در لغت به معنی باز گشت و رجوع چیزی به غیر خود است و گاهی هم به معنی شدن است در اصطلاح (ارتداد) یعنی حالت جدید اعتقادی که در مسلمانی یا انکار یکی از اصول سه گانه دین یا نفی اصلی از اصول ضروری دین رخ دهد. در مفهوم قرآنی ارتداد در صورت‌های همچون بازگشت از ایمان به کفر، بر گشت از دین به کفر و نیز باز گشت به گذشته به کار رفته است. در قرآن آیاتی زیادی به ارتباط مرتد و ارتداد وجود دارد. از جمله زیان در آخرت. غضب و خشم خداوند، زینت یافتن اعمال زشت فرد مرتد به دست شیطان، عدم نصرت خداوند در هدایت مرتد و نیز لعنت خدا و ملایکه و همه مردم به مرتد. همچنان توبه مرتد پذیرفته نمی شود. در احکام فقهی اسلامی (سنی و شعیه) منافق و زندق حکم مرتد را دارد. در تفسیر و استخراج احکام آن آیاتی که در قرآن در باره منافقان آمده است بین علمای فقه شعیه و سنی اندک اختلافاتی هم وجود دارد.

سوره مائده آیت ۲۱: (یعنی به پشت سر خود باز نگردید (عقب نشینی نکنید) که زیانکار خواهید بود.
سوره آل عمران آیت ۱۴۹: ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از کسانی که کافر شده‌اند اطاعت کنید شما را به عقب باز می گردانند.

سوره نحل آیت ۱۰۶ کسانی که بعد از ایمان کافر شوند به جز آن‌ها که تحت فشار واقع شده‌اند در حالی که قلب شان آرام و با ایمان است آری آن‌ها که سینه خود را برای پذیرش کفر گشوده اند غضب خدا بر آن‌هاست و عذاب عظیمی در انتظار شان است.

در قرآن حکم صریح و روشنی در مورد شخص مرتد وجود ندارد. اما در احادیث و سنت اسلامی مواردی وجود دارد که بیان کننده حکم اعدام و مرگ برای مرتد است. (نشاندن ده فعالیت و ... علمای دینی است) بلی!

مرتد به کسی گفته می شود که پس از ایمان به اسلام از اسلام خروج پیدا می کند و یا به کفر گرایش پیدا میکند و کافر می شود. این ابراز کفر ممکن است به هر شکلی که باشد از نظر جمیع فقها در صورت انکار یکی از اصول دین کفر روشن می شود و شخص کافر است.

انواع مرتد : مرتد فطری : کسی که پدر و مادر او مسلمان هستند و در این خانواده متولد می‌شود و تربیت می‌یابد و پس از بلوغ دین اسلام را می‌پذیرد و بعد از اسلام خارج می‌شود او را مرتد فطری می‌گویند.

مرتد ملی. (از ابتکارات عالمان و متفکرین دین است) کسی که پدر و مادر او مسلمان نیستند و در این خانواده متولد می‌شود و پس از بلوغ دین اسلام را می‌پذیرد و بعد از اسلام خارج می‌شود او را مرتد ملی می‌گویند

بر اساس سنت اسلامی حکم ارتداد برای این دو نوع مرتد و همچنین برای مرتد زن و مرد متفاوت است. **حکم مرتد فطری اعدام است** و توبه او پذیرفته نمی‌شود. (سنت است !! اما به نمایندگی خدا !!!) **حکم مرتد ملی.** ابتداء دعوت به توبه و فراهم کردن شرایط بازگشت اوست و اگر توبه نکرد **اعدام است.** حکم مرتد زن چه مرتد فطری باشد چه مرتد ملی ابتداء دعوت به توبه و فراهم کردن شرایط بازگشتن است و اگر توبه نکرد زندانی می‌شود (حکم اعدام در مورد مرتد زن صادر نمی‌شود) (از مظاهر **ترحم اسلام نسبت به زن** ؟؟؟) اسلام فردی را که از اسلام بازگردد بر کفر خود اصرار داشته باشد و توبه نکند، کفر خود را آشکار کند به ممانعت و دشمنی با اسلام بر خیزد، در بین مسلمانان **تبلیغ سوء** کند. به اعتقادات مسلمانان توهین کند و سعی در ضربت زدن به اسلام و ایمان مسلمانان داشته باشد، **مرتد می‌خواند** و او را **مستحق کشته شدن می‌داند** و بر مسلمانان و حکومت اسلامی اجرای این حکم را واجب کفائی می‌داند.

جالبتر این که می‌گویند: **حکم ارتداد نه موجب سلب آزادی افراد در انتخاب دین است و نه راهی برای اجبار فرد بر مسلمان ماندن. این حکم حکمی است در جهت نجات خود فرد و حفظ اسلام و جامعه مسلمین !!!؟؟؟؟**
جالب است . مگر نیست ؟؟

احادیث : عمار سا باطی گوید : از امام صادق شنیدم که فرمود : هر کس از مسلمانان از اسلام برگردد (مرتد شود) و پیامبری محمد را انکار کند و به او نسبت دروغ دهد برای هر کسی که می‌شنود **خون او مباح** است و زنش برای همیشه از او جدا می‌شود و مالش بین ورثه تقسیم می‌شود و زنش عده وفات می‌گیرد (فروغ کافی ج ۶) **علی امام اول شیعیان گفت:** هر کس از مسلمانان به فطرت به دنیا آمده و بعد مرتد شود **من گردن او را می‌زنم** و هر کس بر فطرت تولد نیافته او را تو به می‌دهم اگر توبه کرد (رها می‌شود) اگر نپذیرفت **گردن او را می‌زنم** (من لایحصره الغفیه ج ۳ ص ۱۵۲) (این جناب **علی شوق و ذوق عجیبی بر گردن زدن انسان‌ها داشت** ؟؟) و همچنان علی می‌گوید : زن اگر از اسلام برگردد و مرتد شود کشته نمی‌شود ولی حبس ابد دارد (همان کتاب و همان جلد)

حکم ارتداد در اسلام : یکی از احکام اسلامی که ریشه در سنت اسلامی متکی بر آیات قرآنی دارد چنین است:

مرتدان به دو دسته تقسیم شده‌اند. آنهایی که در دست دشمنان گرفتار شده و زیر فشار و شکنجه از اسلام بیزاری جویند ولی قلب شان از ایمان مالا مال باشد مورد عفو واقع خواهند شد این کار را تقیه گویند

۲- افرادی که دل خود را به روی کفر و بی‌ایمانی می‌گشایند و عقیده خود را کنار می‌گذارند گرفتار غضب خدا و عذاب عظیم وی می‌شوند.

در فقه اهل سنت گفته شده که **زندیق** (یعنی کسی که اسلام را ظاهر کند و کفر را پنهان سازد) حکم مرتد را دارد که مجازات او شدیدتر از مجازات مرتد است

آین ۲۵ سوره محمد : بی‌گمان کسانی که بعد از روشن شدن (راه) هدایت برای آن‌ها به پشت سر خود باز گشتند (و مرتد شدند) شیطان (اعمال زشت شان را) برای آن‌ها بیاراست و (با آرزوهای دراز فریبشان داد .

در قرآن در هیچ آیتی صحبت از مرتد و عواقب جرم و گناهش نشده است بلکه تمام تحلیل‌ها و مجازات معین شده از طریق عالمان دین صورت پذیرفته است و ایشان با تهمت بستن به قرآن چنین احکامی را مرعی الاجراء می‌دانند.

شرک : شرک در لغت و در عقاید اسلامی به شر یک قابل شدن برای خداوند است.

کلمه (الشرك) به معنی بند کفش است . الشرك به معنای دام و ریسمانی است که صید در آن گیر می‌افتد و همچنین باید

به خاطر داشت که نظر به روایات اسلامیون (شرک) یعنی گرفتاری در بند غیر خدا. شرک کلمه عربی است و به معنی شریک بودن است. در دین اسلام شرک در برابر توحید قرار دارد و مفهوم آن اعتقاد داشتن به چند خدائی است و یا شریک قرار دادن برای خدا است. شرک تنها گناه نا بخشودنی در قرآن آمده است. شرک هم به دو نوع است: شرک جلی و شرک خفی به طور خلاصه شرک جلی عبارت است از همسان خداوند را اعتقاد داشتن و معتقد به رب الانواع بودن است و شرک خفی ادامه استمداد از موجود قابل پرستش شان.

البته در مورد همه شرک ها فرقه های مختلف اسلامیون نظرات و استدلالات خود شان را دارند. مفهوم شرک در مقابل توحید قرار دارد. به این مفهوم که توحید اعتقاد به وحدت و یگانگی خداست و شرک انکار وحدت و یگانگی است

اقسام شرک: شرک ذاتی که به دو مفهوم است: یکی این که ترکیبی دانستن خدا و دوم معتقد بودن به چند خدائی. دوم شرک صفاتی: به این مفهوم که صفات خدا با ذات خدا مغایرت دارد (اشاعره چنین اعتقادی داشتند مبنی بر این که (ذات خدا چیزی است و صفات خداوند چیزی دیگر) که از نگاه مسلمین آن ها مشرک محسوب می شوند و سوم این که: شرک فعلی و افعالی: مثل شرک در عبادت، شرک در ربوبیت و شرک در طاعت.

چهارم شرک در خالقیت: اعتقاد به دو و یا چند خالق مستقل است که هیچ کدام شان تحت سیطره و اراده و فرمان دیگری نباشد.

پنجم مثلاً بشر برای هر چیزی یک نوع رب قایل بوده که در مجموع می توان از آنها به نام پیروان رب النوع یاد نمود شرک در عبادت: پرستش از چیزی و یا موجودی دیگر و عبادت به آن شرک است مثل پرستش بت ها و غیره در مورد شرک و مشرکان بین اهل سنت و اهل تشیع اختلافاتی است که با آن ها کاری نداریم.

سوره بقره آیت ۶۲: بدرستی کسانی که ایمان آورده اند و کسانی که یهودی شدند و نصاری و ثابئان (ستاره پرستان) آنان که به خدا و روز قیامت ایمان آوردند و کار های شایسته انجام دهند پاداش شان نزد پروردگار شان است. و نه ترسی بر آنان خواهد بود و نه غمگین خواهند شد

سوره نساء آیت ۵۶: بی گمان کسانی که به آیات ما کفر ورزیدند به زودی آن ها را در آتشی (سوزان) وارد می کنیم که هر چه پوست شان بریان گردد پوست های دیگری به جایش قرار دهیم تا (طعم) عذاب را بچشند. حقا که خداوند توانمند حکیم است (این خدای معرفی نمودگی محمد چقدر مهربان است!!)؟

سوره نساء آیت ۴۸: بی گمان خداوند این را که به او شرک آورده شود نمی بخشد و غیر از آن را برای هر کس بخواهد می بخشد. و هر کس که به خدا شرک ورزد یقیناً گناهی بزرگ بر یافته است

سوره انعام آیت ۲۲: و روزی که همه آن ها را گرد آوریم سپس به کسانی که شرک ورزیده اند می گوئیم: معبود هائی که آن ها را شریک خدا می پنداشتید کجا هستند؟

چرا این همه زور آزمائی؟ مگر خودت چنین سر نوشتی را برای شان تعیین و مشخص نکردی؟ آخر چرا خودت چنین معین می داری که کی چه نوع اندیشه ای داشته باشد. بعداً اورا طعنه می زنی؟؟

آیت ۲۳: - آنگاه پاسخ و عذر شان جزاین نباشد که گویند: به خداوند پروردگارمان سوگند که ما مشرک نبودیم آیت ۱۰۰ - و (مشرکان) برای خدا شریکهائی از جن قرار دادند در حالی که (خداوند) آن ها را آفریده است و از روی نادانی برای خدا پسران و دخترانی ساختند خداوند مزه و برتر است از آنچه توصیف می کنند.

سوره التوبه آیت ۲۸: (ای کسانی که ایمان آورده اید این مشرکان نجسند و از سال بعد نباید به مسجدالحرام نزدیک شوند و اگر از بینوائی می ترسید خدا اگر بخواهد به فضل خوش بی نیازتان خواهد کرد زیرا خدا دانا و حکیم است.)

سوره التوبه آیت ۲۹ : (کسانی را از اهل کتاب که به خدا و روز قیامت ایمان نمی آورند و چیز هائی را که خدا و پیغمبرش حرام کرده است بر خود حرام نمی کنند و دین حق را نمی پذیرند **بکشید** تا آنکه که به دست خود در عین مذلت **جزیه** بدهند.) تعجب بر انگیز است این که خدای بزرگ چنین می فرماید؟؟ اهل کتاب همان اوامر خودش را اجراء کرده اند و پیروی از همان کتاب نموده اند هر چه حرام پنداشتی آنها هم آن را حرام کردند و هر چه حلال هدایت دادی آن را حلال حساب کردند پس اکنون چرا چنین می گوئی؟؟ اگر آنها را اهل کتاب می خوانی می دانی که مطابق کتاب خود حرکت نموده اند. اگر به روز قیامت و خدا ایمان نمی آورند چرا آنها را اهل کتاب حساب می داری؟؟؟

سوره النساء آیت ۸۹ : (دوست دارند همچنان که خود به راه کفر می روند شما نیز کافر شوید تا برابر گردید پس با هیچ یک از آنان دوستی نکنید تا آنگاه که در راه خدا مهاجرت کنند و اگر سر باز زدند در هر جا که آنها را ببابید بگیرید و بکشید و هیچ یک از آنها را به دوستی و یاری بر مگزینید.) به کجا مهاجرت می کنند تا به خدا نزدیک شوند؟؟؟ اگر منظورت این باشد که با محمد مهاجرت کنند پس نباید از آنها منحيث اهل کتاب یاد نمائی؟؟ فقط بگو کافران؟؟!

سوره محمد آیت ۴ (چون با کافران رو به رو شدید گردنشان را بزنید و چون آنها را سخت فرو فگندید اسیر شان کنید و سخت ببندید آنگاه یا به منت آزاد کنید یا به فدیة. تا آنگاه که جنگ به پایان آید و این است حکم خدا. و اگر خدا می خواست از آنان انتقام می گرفت ولی خواست تا شما را به یک دیگر بیازماید و آنان که در راه خدا کشته شده اند اعمال شان را باطل نمی کند.)

کافران نمی (کافرانی بودند که جان و مال شان در پناه اسلام است) باید به مسلمانان جزیه مدادند تا از تعرض خود مسلمانها و جهادیون مصون باشند.

در نهج الفصاحه می خوانیم که محمد گفت (در های بهشت زیر سایه شمشیر هاست) برای مسلمانان در حقیقت جنگ برای تحمیل عقیده همیشه یک وظیفه اصلی است و همه مردم دنیا به هر قیمتی که شده باید به اسلام تسلیم شوند.

سر بریدن در قرآن واضحاً هدایت داده شده است مثلاً در **سوره محمد آیت ۴** **سوره انفال آیت ۱۲** **سوره توبه آیت ۱۲۳** و دهها آیت دیگر!! اما زجر دادن و شکنجه مردمان مستقیماً توصیه نگردیده است

نزدیک به ۱۴ قرن است که جزئی ترین خلاف رفتاری از قوانین بدوی اسلام نتیجه گردن زدن را بار می آورد و همین عالمان دین اجازه تعقل در اساسات دین را به کسی نمی دهند.

ما مسلمانان خوش باور که از جان و دل این را دوست داریم و به خاطر همین دین که از آن چیزی هم نمی فهمیم حاضر به قربانی بوده و جان خود را هم می دهیم. هر چه آدمکش و جنایت کار بود و قاتلان آباء او اجداد خود را تا حد پرستش به نام فاتحین اسلام احترام داریم و بر قبر های آن جنایتکاران و خونخوران بشریت گنبد ها ساخته و در شرایط بد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی بر قبر آنها رفته و طلب کمک می نمائیم و افتخارانه سرتعظیم و ارادت به در بار هر چه جنایت کار عرب است پائین می آوریم. اما کسی به ما توجه عمیق انسانی ندارد. کسی به این ارادتمندی های ما متوجه نیست و اگر هم است قابل قدر نمی دانند.

پس ما چه نوع ملتی هستیم؟؟

بد بختی بالاتر از این که بزرگان این دین که به ما توجهی ندارند به هر ترتیب، ما که شاهد کشتار بی باکانه و وحشیگری های دنباله روان شان بودیم و دیدیم که تجاوز های ناموسی، غارت و کشتار، شکنجه ها و چپاولگری های آنها در این مرزو بوم به چه اندازه غارتگرانه و چنگیز مآبانه بوده، تحمل نمودیم کسی نپرسید و توجهی نکرد که مسؤول کیست؟؟ برای این که اجراء و عمل کرد تمام این جنایتکاران برداشتی از دین شان بوده و ما ملت مظلوم قربانی خوش باوری های خود بوده ایم. چرا؟ به خاطر جفنگ های عالمان دین؟؟!

به گفته آن دانشمندگرانمایه که اسمش را فراموش نموده ام این بخش را خاتمه می بخشم و در بخش بعدی از فعالیت

های خیلی نادر و چشمگیر عالمان دین بحث را ادامه خواهیم داد
دوست داریم واقعیت‌ها را آنگونه که دوست داریم ببینیم نه آنگونه که هستند.
ادامه دارد